

«تنها راه در پیش پای ملت ایران عبارت است از قوی شدن؛ باید تلاش کنیم قوی بشویم؛ ما از مذاکره هم ابائی نداریم؛ البته نه با آمریکا، با دیگران؛ اما نه از موضع ضعف، از موضع قوت، از موضع قدرت... البته قدرت فقط قدرت نظامی نیست؛ قدرت، قدرت نظامی نیست؛ اقتصاد کشور باید قوی شود، وابستگی به نفت بایستی تمام بشود، نجات پیدا کنیم از وابستگی اقتصادمان به نفت.

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال ششم / شماره ۸۹۱ / چهارشنبه ۲۱ اسفند ماه ۱۳۹۸

## «کرونا» را با رعایت این توصیه‌ها شکست می‌دهیم!

**تابناک:** مدتی است که ویروس کرونا، «کووید-۱۹» پس از شیوع در چین، به سایر کشورهای دنیا از جمله ایران سرایت کرده است. ۱- لزوم کاهش استرس در مقابله با کرونا: ترس و فوبیا سبب تضعیف سیستم ایمنی و سرکوب سیستم دفاعی در برابر ابتلا به بیماری‌های ویروسی می‌شود. استرس واکنش طبیعی به شرایط سخت و تهدید آمیز است، اما اگر شدید و طولانی شده و رنج ایجاد کند، زندگی را مختل می‌کند. ترس و فوبیای کاذب می‌تواند روی سیستم ایمنی تأثیر منفی داشته باشد و بدن را در برابر بیماری‌ها تضعیف کند. گاهی نیز همین موضوعات باعث رفتارهای ناکارآمد می‌شود.

ترس و نگرانی از ابتلا به این بیماری در بیماران اعصاب و روان، اختلالات روانی به وجود می‌آورد.

۲- موسیقی گوش کنید، غذای مقوه بخورید و ورزش کنید: ساعت‌هایی را به دور از فضای مجازی بگذرانید و کارهایی که برای شما آرامش بخش است را در برنامه روزانه تان بگنجانید. برای مثال، نیاش کنید، موسیقی گوش کنید، کتاب بخوانید، یا فیلمی که دوست دارید تماشا کنید. ۳- به اندازه کافی استراحت کنید: در شرایط بحرانی و بی ثبات، تصمیم مهمی نگیرید و تغییر بزرگ در زندگی خود ایجاد نکنید. به اندازه کافی استراحت کنید، خواب خوب و کافی کمک می‌کند که توان خود را بازیابی کنید. از روش‌های آرام سازی استفاده کنید. در مواقع استرس نفس‌های عمیق بکشید. در حضور کودکان در مورد اخبار بد صحبت نکنید. از مصرف هر نوع دارو بدون تجویز پزشک خودداری کنید. ۴- ویروس‌های وحشتناک‌تر از کرونا را پشت سر گذاشتیم: مردم باید آگاه باشند که این بیماری، اولین و آخرین بیماری واگیردار و همه گیر نبوده و کشنده‌ترین بیماری نیز محسوب نمی‌شود؛ کروناویروس جدید که در اواخر سال ۲۰۱۹ میلادی در چین شناخته شد نیز به نام ان کرونا یا نیوکرونا نام گرفته است؛ میزان کشندگی سارس ۱۰ درصد، میزان کشندگی مرس ۳۰ درصد و میزان کشندگی نیوکرونا نیز دو تا سه درصد است که از همه کروناهای قبلی کمتر است.

از طرف دیگر شیوع سارس ۱،۲، میزان شیوع مرس ۱،۴ و میزان شیوع نیوکرونا یا همین کرونا جدید ۳،۶ تا ۵ درصد است؛ لذا ویروس کرونا جدید، کشندگی بسیار کمتری، ولی شیوع کمی بیشتر از کروناویروس‌های قبلی دارد. همچنین از هر ۱۰۰ نفری که به کروناویروس جدید مبتلا می‌شوند و به مرحله بستری شدن می‌رسند، ممکن است دو تا سه نفر در صورت ابتلا به بیماری‌های زمینه‌ای فوت کنند و بقیه از بیمارستان مرخص می‌شوند؛ بنابراین نباید در جامعه طوری نگرانی به وجود آورد که همه از این بیماری وحشت کنند.

## پدر و پسر شاید باهم برند

**کیهان :** آنچه این روزها در عربستان و دربار آل سعود می‌گذرد، این احتمال را قوت می‌بخشد که دوران یکه‌تازی بن‌سلمان به سر آمده و قطار شاهزاده جنایتکار و کودک‌کش سعودی به ایستگاه آخر رسیده است. بعد از مرگ ملک عبدالله پادشاه سابق عربستان، ملک‌سلیمان پادشاه کنونی بر اساس یک سنت پذیرفته شده در خاندان سعودی، به پادشاهی رسید و اما، در حالی که بر پایه همان سنت، محمد بن‌نایف ولیعهد و پادشاه بعدی بود، محمد بن‌سلیمان با حمایت آشکار آمریکا و بهره‌گیری از موقعیت پدرش، سنت دیرینه و تعریف شده آل سعود را نقض کرد و خود را به عنوان ولیعهد و جانشین پدرش معرفی کرد. این سنت‌شکنی در طول پادشاهی آل سعود برای اولین بار اتفاق افتاده بود و بدیهی است که نمی‌توانست به آسانی در میان شاهزادگان سعودی، مفتی‌های درباری و بخشی از مردم قابل پذیرش بوده و ولیعهدی غیرقانونی او را تثبیت کند. بن‌سلیمان که می‌دانست سنت‌شکنی او از سوی شاهزادگان سعودی بی‌پاسخ نمی‌ماند، تعداد زیادی از شاهزادگان سعودی و از جمله محمد بن‌نایف - ولیعهد اصلی - را به بهانه فساد مالی بازداشت کرده و یا تحت مراقبت شدید قرار داد و در همان حال قراردادی بالغ بر ۵۰۰ میلیارد دلار با آمریکا و ده‌ها میلیارد دلار با انگلیس و فرانسه منعقد ساخت و روابط نزدیک و بی‌پرده‌ای نیز با رژیم اشغالگر قدس برقرار کرد.

جنگ یمن و خسارت‌های مالی و تلفات جانی فراوانی که تاکنون به دنبال داشته است، سیاه‌ترین بخش از کارنامه سراسر سیاه بن‌سلیمان است. یک روز قبل از شروع جنگ، یکی از فرماندهان ارتش سعودی - ژنرال احمد عسیری - در قاب تلویزیون حاضر شد و با غرور و تکبری احمقانه گفت؛ ظرف ۳ روز و یا حداکثر یک هفته کار حوثی‌های یمن تمام است! و اکنون ۵ سال از آن روز می‌گذرد و ارتش آل سعود و چند کشور همپیمان آن با وجود برخورداری از مدرن‌ترین و مرگبارترین تسلیحات، و علی‌رغم جنایات بی‌شمار و خجالت‌آوری که علیه مردم مظلوم یمن و مخصوصاً کودکان و زنان مرتکب شده‌اند، نه فقط کمترین پیشرفتی نداشته‌اند بلکه تلفات سنگین انسانی و خسارت‌های مالی و تسلیحاتی فراوانی را نیز متحمل شده‌اند. تا آنجا که در کشورهای عربی این لطیفه بر سر زبان‌هاست که نظامیان سعودی در مقابل نیروهای مقاومت یمن فقط ۳ گزینه پیش‌روی دارند، کشته می‌شوند، فرار می‌کنند و یا اسیر می‌شوند! جنگ یمن، جان و مال مردم عربستان را به چالش جدی کشیده است و نارضایتی‌های فراوانی را به دنبال داشته است. هفته گذشته، بن‌سلیمان در اقدامی غیرمنتظره بیش از ۲۰ تن از شاهزادگان سعودی را بازداشت کرد که محمد بن‌نایف ولیعهد اصلی نیز از جمله آنها بود. این حرکت بن‌سلیمان احتمال مرگ ملک‌سلیمان و یا وخامت بیش از حد حال جسمانی او را قوت می‌بخشد و می‌توان این تلقی را داشت که بن‌سلیمان برای عبور بی‌خطر از مرز ولیعهدی و رسیدن به پادشاهی، دست به این اقدام زده است. برخی از صاحب‌نظران در کشورهای عربی اگرچه این احتمال را نفی نمی‌کنند ولی با استناد به پشتیبانی آمریکا و متحدانش از بن‌سلیمان و سرسپردگی کم‌نظیر او به آمریکا و اسرائیل بر این باورند که با توجه به حمایت قدرت‌های یاد شده، انتقال پادشاهی عربستان از ملک‌سلیمان به فرزندش بن‌سلیمان با دشواری‌چندانی روبه‌رو نخواهد بود! این برداشت اما، قابل تکیه نیست چرا که؛ ۱- بن‌سلیمان به دلایل گوناگون و از جمله خسارت‌های سنگین و تلفات انسانی فراوانی که در جنگ یمن به مردم عربستان تحمیل کرده است، با نارضایتی توأم با نفرت مردم روبه‌روست. ۲- محمد بن‌نایف و سایر شاهزادگان سعودی نیز در صورتی که به قدرت برسند با منافع آمریکا و اسرائیل در تعارض نبوده و مخالفتی نخواهند داشت. بنابراین این تغییر قدرت از بن‌سلیمان به بن‌نایف تغییری در منافع آنها پدید نمی‌آورد که نگران آن باشند. ۳- آمریکا و متحدان

اروپایی و عبری آن حامیان اصلی و نشان‌دار بن‌سلمان در جنگ شکست‌خورده و فزاینده یمن هستند و از این روی در افکار عمومی، افتضاح آل‌سعود در جنگ یمن و شکست خفت‌بار آن به حساب آمریکا و متحدانش نیز نوشته شده است. ۴- با توجه به موارد یاد شده، آمریکا با کنار گذاشتن بن‌سلمان و رویکرد به بن‌نایف، اولاً منافع قبلی خود را حفظ کرده است و ثانیاً با متوقف کردن جنگ یمن به عنوان فرشته نجات مردم عربستان از این بلای خانمانسوز ظاهر می‌شود! ثالثاً با بازگرداندن پادشاهی عربستان به بن‌نایف، خود را حامی سنت تعریف شده آل‌سعود که از سوی بن‌سلمان شکسته شده بود جا می‌زند! از این روی بعید نیست پدر و پسر با هم بروند!

۵- و اما، آنچه با نگاه اول در این میان بی‌پاسخ به نظر می‌رسد، پایبندی آمریکا به تعهداتش است! که آمریکا بارها نشان داده است برای آن پیشیزی ارزش قائل نیست. آمریکا شیطان بزرگ است و خداوند تبارک و تعالی در وصف شیطان آورده است: «كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ...» مانند شیطان که به انسان گفت: به خدا کفر بورز و پس از آنکه آدمی کافر شد به او گفت: من از تو بیزارم، چرا که از (عقاب) پروردگار عالمیان سخت می‌ترسم».

### الگوی کارآمد آتش به اختیار جهاد اجتماعی

**جوان:** شیوع تلخ ویروس کرونا در کشور در چند هفته اخیر، هرچند موجبات درد و رنج بخشی از مردم ما را فراهم آورده و نگرانی‌هایی جدی در جامعه پدیدار نموده، اما درعین حال بار دیگر صحنه‌های زیبایی از ایثار و فداکاری جهادی در میان آحاد ملت و به‌خصوص کادر درمانی و نیروهای انقلابی را به رخ کشیده است. به‌گونه‌ای که می‌توان گفت این حضور حماسی کادر درمانی و نیروهای بسیجی، بخشی از ناکارآمدی‌های مدیریتی را جبران نموده است. انقلاب اسلامی در چهار دهه گذشته دوران‌های متفاوتی را پشت سر نهاده و جامعه انقلابی با چالش‌ها و مسائلی گوناگون با منشأ داخلی و خارجی مواجه شده است، از جمله چالش‌هایی که دولت و دستگاه اجرایی کشور با آن روبه‌رو بوده و تأثیرات مستقیمی بر جامعه داشته است، مسئله کارآمدی در حوزه‌های مختلف خصوصاً اقتصادی و اجتماعی است. اکنون می‌توان گفت برخی از ابعاد ناکارآمدی دستگاه اجرایی در حوزه اقتصادی و اجتماعی آسیب‌هایی جدی را متوجه کشور و جامعه کرده و به‌رغم آنکه در تمام این سال‌ها شاهد گردش نخبگانی در عرصه مدیریت امور اجرایی بوده‌ایم، چالش ناکارآمدی‌ها، برای انقلاب اسلامی هزینه‌زایی کرده است.

از مدل حل مسئله انقلاب اسلامی که در چهار دهه اخیر کارآمدی خود را ثابت کرده است، ورود جبهه مؤمن انقلابی به میدان‌های چالش‌زا با فکر انقلابی و اقدام جهادی بوده است. تجربه موفق جهاد سازندگی در دهه اول انقلاب و محرومیت‌زدایی اردوهای جهادی در دهه سوم و چهارم، سربلندی در دفاع مقدس با حضور جریان انقلابی سپاه و بسیج، تجربه پیشرفت شگرف در عرصه علم و فناوری‌های برتر در دهه سوم و چهارم، و تجربه امنیت‌آفرینی و شکست تاریخی تروریسم در قالب محور مقاومت و با حضور قهرمانانه مدافعان حرم، نمونه‌هایی مثال‌زدنی از تجربه حضور انقلابی و جهادی جبهه مؤمن در پیشبرد اهداف انقلاب و حل مسائل چالش‌زا بوده است. اگر امروز یکی از مهم‌ترین مسائلی که نظام و حتی انقلاب را از درون دچار چالش کرده، حوزه ناکارآمدی‌های اجتماعی و معیشتی است و ناتوانی ساختار بوروکراتیک اداری در حل آن کاملاً آشکار شده است، اینک حل چالش‌های اساسی این عرصه نیز جز به ورود «فکر انقلابی» و «اقدام جهادی» ممکن نیست. ورود این نرم‌افزار و سخت‌افزار حل مسائل انقلاب اسلامی تنها با به میدان آمدن

جبهه مؤمن انقلابی تحقق خواهد یافت و البته این به میدان آمدن، لزوماً به معنای تسلط بر ساختارهای بوروکراتیک و عمدتاً ناکارآمد متولی این عرصه‌ها نیست. همان‌گونه که در امر سلامت آفرینی و پاک‌سازی عرصه‌های عمومی، نیروهای جهادی انقلابی به کمک کادر درمانی آمدند، امروز در همه عرصه‌ها بیش از همیشه به حرکتی مردمی و فراتر از ساختارهای دیوان‌سالارانه موجود از سوی جبهه مؤمن نیازمندیم که این حرکت را می‌توان «پویش اجتماعی انقلاب اسلامی» نامید. مبنای این پویش باید با هدف‌گذاری حل معضلات عمده اجتماعی، همچون آسیب‌های اجتماعی، فقر، چالش‌های مناطق حاشیه‌نشین و بیکاری و با مدل‌سازی بر اساس الگوی آتش‌به‌اختیار است که چند سال پیش رهبر معظم انقلاب در دیدار دانشجویان آن‌را توصیه کردند: «من به همه آن هسته‌های فکری و عملی جهادی، فکری، فرهنگی در سرتاسر کشور مرتباً می‌گویم: هرکدام کار کنید؛ مستقل و به‌قول میدان جنگ، آتش‌به‌اختیار. البته در جنگ، قرارگاه مرکزی وجود دارد که دستور می‌دهد، اما اگر چنانچه رابطه قرارگاه قطع شد یا قرارگاه عیبی پیدا کرد، اینجا فرمانده دستور آتش‌به‌اختیار می‌دهد. خب شما افسرهای جنگ‌نرمید -قرار شد شما افسران جوان جنگ‌نرم باشید- آنجایی که احساس می‌کنید دستگاه مرکزی اختلالی دارد و نمی‌تواند درست مدیریت کند، آنجا آتش‌به‌اختیارید؛ یعنی باید خودتان تصمیم بگیرید، فکر کنید، پیدا کنید، حرکت کنید، اقدام کنید.»

بر این اساس در حوزه مسائل اجتماعی یادشده نیز باید در سرتاسر کشور، هسته‌های آتش‌به‌اختیار مؤمن جهادی به‌صورت خودجوش شکل گرفته و نظام مسئله‌یابی و حل مسئله منطقه‌ای و محلی در حوزه مسائل اجتماعی کشور در ذیل این هسته‌ها سامان یابد. نخبگان اجتماعی انقلابی به میدان آیند تا کاستی‌های نهادهای اجرایی را در حوزه اجتماعی جبران نموده و با دو عنصر «فکر انقلابی» و «اقدام جهادی» باری از دوش مردم برداشته شود. البته روشن است که نهادهای متولی مسئول نیز موظف به حمایت تمام‌عیار از این اقدامات خودجوش بوده و همه امکانات موجود را در جهت تقویت این پویش ملی بسیج نمایند. مردم عزیز کشورمان نیز همان‌گونه که در ماجرای اخیر دغدغه‌مندی ملی خود را نشان دادند، قطعاً به حمایت از چنین حرکت بابرکتی خواهند آمد و یاری خویش چه در حوزه مالی و مادی و چه فکری و معنوی دریغ نخواهند کرد. در صورت به میدان آمدن فکر انقلابی و اقدام جهادی با حضور جبهه مؤمن انقلاب اسلامی می‌توان امیدوار بود که باری از مشکلات و چالش‌های کشور در حوزه اجتماعی و معیشتی برداشته شود؛ نقشه‌های دشمن برای ناامید کردن مردم و گسترش نارضایتی از وضع موجود به شکست انجامد؛ ناکارآمدی دستگاه‌های بوروکراتیک و مدیران غیرانقلابی منجر به هزینه زایی برای انقلاب اسلامی نشود و ان‌شاءالله بار دیگر کارآمدی اندیشه و عمل انقلابی و مؤمنانه به اثبات خواهد رسید.

